

بررسی چند اصطلاح در مصالحه نامه ها

فاطمه جهان پور

اسناد تاریخی از منابع مهم پژوهشی است که از گذشته های دور به شکل پراکنده و گاه منجم نگهداری شده است و شامل کلیه مکاتبات سلطنتی، فرامین و رقم ها، معاهدات سیاسی، مکتوبات اداری و دیوانی، اسناد حقوقی و مالی و غیره می باشد. در این میان آنچه که ما را با تاریخ اجتماعی مردم و امور روزمره زندگی آنان بیشتر آشنا می کند مدارک و اسناد مالی و حقوقی از قبیل قبایله های ازدواج، وقف نامه ها، بیروات، مصالحه خط و غیره است.

مصالحه خط نوعی سند مالی است که مبنای دادوستد پولی داشته و همچون اسناد بیع، رهن، اجاره، برات و غیره ویژگیهای خاص خود را دارد.

مصالحه نوعی واگذاری است که گرچه بابت آن واگذاری، وجهی دریافت می شود اما با نوعی صلح و رضایت میان طرفین همراه است. به طوری که در اکثر مصالحه نامه ها اصطلاح «از روی رضا و رغبت»، بدون اکراه و اجبار، در عین صحت مزاج و کمال عقل و اختیار، بدون شایه اکراه و اجبار آمده است.

معمولاً در مصالحه نامه ها اصطلاحات خاصی بکار می رود که درک مفهوم آنها بدون مراجعه به کتب فقهی، حقوقی و فرهنگ لغات دشوار است. از آنجا که اینگونه اسناد از گذشته های دور در میان مردم رایج بوده و جایگاه مهم و شأن بالایی را در تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایفا می کرده است، بررسی مفهوم و معنای این اصطلاحات ضروری می نماید. در این مقاله با تکیه بر ۳۹ فقره سند مصالحه خط موجود در مخزن اسناد اداره اسناد کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، که سالهای ۱۲۵۲ تا ۱۳۳۵ هجری قمری را دربرمی گیرد،



اصطلاحات مشترک میان آنها مورد توجه قرار گرفته و معنای آنها از میان کتب حقوقی و فقهی و فرهنگ لغات جستجو شده است. که در اینجا برخی از آنها توضیح داده می شود و نمونه ای از مصالحه خط نیز استنساخ می شود:

مصالحه: در لغت به معنی آشتی دو کس یا دو گروه، مسالمت، سازش، صلح کردن، در اصطلاح فقهی عقدی که به موجب آن طرفین تراضی و تسالم کنند بر تملیک چیزی به کسی اعم از عین یا منفعت یا اسقاط دین از کسی یا اسقاط حقن از کسی و جز آن، هر توافق که به صورت یکی از عقود معین (مانند بیع، رهن، اجاره و جز اینها) نباشد اسم آن مصالحه و صلح است و حدیث ذیل دلالت بر این معنی دارد: «اصح جائز بین المسلمین الاصلحا احل حراماً او حرم حلالاً» یعنی توافق بین افراد مسلمان نافذ و درست است مگر توافقی که نتیجه آن رواشمردن امر نامشروع باشد و یا موجب سلب حقوق تعهدکننده شود. رضایت طرفین و سازش بر چیزی از قبیل تملیک عین یا منفعت یا اسقاط نمودن دین یا حق و غیر اینها. و شرط آن نیست که مسبوق به نزاع باشد و در واقع ساختن صلح بر هر چیزی غیر از آنچه استناد شده (...) و در هر مقامی جایز است مگر این که حلالی و احرام یا حرامی را حلال نماید. صلح هم مترادف مصالحه است (۱).

مصالحه نامه: قرارداد صلح که بین دو کس یا دو گروه نویسد و بدان اختلاف از میان بردارند، نوشته ای که به موجب آن مال یا چیزی را به کس یا کسانی بدل یا هبه کنند، و رقه ای دال بر مصالحه (۲).

مصالح: آنکه مصالحه کند، مصالحه کننده، آنکه طرف ایجاد عقد صلح واقع گردد، کسی که مالی یا امری را به دیگری واگذار کند، کسی که در عقد صلح ایجاد از ناحیه اوست (۳).

متصلح: آشتی کننده، سازش کننده، قبول کننده عقد صلح، کسی که در عقد صلح طرف ایجاد واقع شود، آنکه مالی یا ملکی به او صلح شود (۴).

مصالح له: همان متصلح است.

متصلحه: موث متصلح.

مصالح لها: همان متصلحه است.

مورد مصالحه = مصالحه عنه = عین الصلح = عین المال: مالی که مصالح در عقد صلح به طرف خود منتقل می کند، مالی که صلح و توافق بر آن واقع گردد، آنچه مصالح و متصلح در آن توافق کنند، معروض را در عقد صلح مصالح عنه گویند و آن مالی است که مصالح به متصلح منتقل یا نفع متصلح از آن چشم پوشی می کند (۵).

مصالح به = مال الصلح = مال المصلحه = وجه المصلحه:

عروضی که متصلح در عقد مصالحه می دهد (۶).

شیوه نگارش مصالحه نامه ها به طور معمول چنین است: نخست عبارتی که مبتنی بر حمد و ثنای خداوندگار است و یا عباراتی همچون «مخفی نماناد» در آغاز نوشته می شود و پس از آن نام مصالح و متصلح آورده می شود از آنجا که از لحاظ شرعی می بایست طرفین صلح شرایطی همچون بلوغ، عقل، قصد و اختیار داشته باشند (۷)، معمولاً عبارتی مبنی بر کمال رضایت طرفین به خصوص مصالح نیز نوشته می شود. آنگاه مورد مصالحه مشخص و سپس مال الصلح را معلوم می کنند. پس از آن، گاه شرایطی که مصالح و متصلح جهت بستن این عقد دارند قید می شود و در پایان ضمن تأکید بر این که هر گونه ادعایی از طرفین پس از جاری شدن عقد صلح باطل است، با نوشتن تاریخ صلح، نوشتن مصالحه خط پایان می پذیرد. این سند می بایست توسط حاضرین مهر و امضاء شود تا ضمانت اجرایی یابد. در پایان نمونه ای از مصالحه نامه آورده می شود. این مصالحه خط با شماره اموالی ۳۱۷۸۵ در مخزن اسناد اداره اسناد کتابخانه آستان قدس رضوی نگه داری می شود:

[حاشیه سمت راست بالای سند] آقای ظهیر الاسلام متولی باش آستان ملائک پاسبان دامت برکاته العالی.

بسم الله الرحمن الرحیم و الثناء انکه مصالحه صحیحه شرعیه نمودند امضاء آستانه مقدسه زاده الله تعالی اجلالهم مقرون به اجازه و امضاء حضرت مستطاب حجه الاسلام ملاذالانام بندگان عالی به جناب عمده الاعیان آقای میرزا محمد خلف ارجمند جناب فطانت نصاب افتخار الحاج حاجی عبدالحسین تاجر طهرانی الاصل مشهدی المسکن زیده مجده همگی و تمامی حاصل و منافع نصف از کل مزرعه بیلدر و نصف از آبکوه و تمامی سربرق موقوفه آستانه مقدسه سرکار فیض آثار را با کافه ملحقات شرعیه و عرفیه و عادیه ان کلمه متعلق بها از اول نسق و سنبله هذه السنه توشقان نیل ۱۳۳۳ (فخروانا) محصول سراسر نیل ۱۳۳۴ لغایت مدت هفت سال کامل که عبارت از رفع حاصل صیفی و شتوی محل مزبور بوده باشد به مال المصلحه معین مبلغ یکهزار و یک تومان رایج خزانه عامره نقد و مقدار دو بیست و پانزده خروار و شصت من غله ناله به وزن تبریز بار کرده و بیست و یک خروار گاه به وزن تبریز در محل مقرر آنکه مال الصلح مرقوم را به قرار قسط سنوات از قرار هر سالی مبلغ یکصد و چهل و سه تومان نقد و مقدار سی خروار و هشتاد من غله ناله به وزن تبریز بار کرده در شهردون مطالبه کرایه دو ازواره؟ او سه خروار گاه به وزن تبریز در محل در فصل میزان هر سالی سال به سال تسلیم از بابت حواله جات سرکار فیض آثار نماید که تا آخر مدت مزبوره تمامی مال الصلح مزبور مؤدی گردد و فی ضمن انعقد شروط شرعیه واقع شد که تمام مخارج زراعتی و تنقیه و لایروبی قنات و کلی بند قنات و قسمت گلدور تمام مدت به عهده مصالح له مزبور است و در صورت تأخیر مال الصلح مزبور کلام بعضاً تقدماً ام جناً از آخر عقرب آن سال و یا قوت مصالح له خدای نخواست در

بین مدت و عدم اطمینان اماناء وقف از ورثه مشارالیه و یا انتقال معامله را به غیر بدون اجازه اماناء وقف و یا گروه و ظهور خیانتی در عین رقبه موقوفه در هر یک از صور اختیار فسخ مصالحه بقیه مدت در بقیه مدت با اماناء وقف است و در صورت ورود قشون و یا نزول تگرگ که ضرری به محصول محل مزبور وارد بشود که در حصه مالکمی آن صفا و شنوا کمتر از نصف مال الصلح آن سال عاید بشود اماناء وقف محصول عاید را تصرف فرموده و مابقی را به مصالح له به تخفیف واگذار فرمایند و مقدار شش خروار غله ناله به وزن تبریز به جهت بزر محل مزبور از مال آستانه مقدسه بر ذمه مصالح له قرار گرفت که در آخر مدت عین الصلح تسلیم اماناء وقف نماید و به سبب تخلف شرطی از شروط مرقومه که فسخ مصالحه به عمل آید و مصالح له بذری از یک من الی بیست خروار از عین المال در محل مزبور ذرع نموده باشد اماناء وقف مسلط هستند که بذر اسدورهاء ۱۴ آن را به جهت وقف تصرف فرموده و بذر اسدور ۱۴ را از بابت بذر ذمه مصالح له محسوب داشته رجوع آناخوانا ۱۴ فرماید عین الصلح را به تصرف مصالح له واگذار فرمودند و صیغه شرعیه بر مراتب مسطوره واقع و جاری گردید. فی شهر ربیع الثانی ۱۳۳۴ امهر بیضی شکل با سجع اتولیت آستانه مقدسه ۱۳۴.

[حاشیه سمت راست پایین مندا] توضیحا قلمی می شود تعمیر عمارات قلعه با مصالح له مزبور است و هرگاه خرابی بنیانی در عمارات قلعه واقع شود با اماناء وقف است و در سال آخر حسب الشرط چهار زوج آب در کل قنات مزبور باید تسلیم اماناء وقف نماید فی التاریخ امهر بیضی شکل با سجع اتولیت آستانه مقدسه ۲ ۱۳.

در پشت سند سی مورد عبارت ثبت دفتره مربوطه به دفاتر و ادارات مختلف آستان قدس آمده است نه عدد مهر بیضی شکل با سجع های مختلف نیز وجود دارد.

پی نوشتها:

۱. لغت نامه دهخدا، ذیل مصالحه: محمد جعفر جمعری ننگرودی، ترمینولوژی حقوق (تهران، ابن سینا، ۱۳۶۶ خ) ج ۱، ص ۶۵۶، روح الامینی، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی (قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸ خ) ج ۲، ص ۲۶۹.
۲. لغت نامه دهخدا، ذیل مصالحه نامه: فرهنگ معین، ذیل مصالحه نامه.
۳. جمعری ننگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۶۵۵، فرهنگ معین، ذیل مصالحه.
۴. فرهنگ معین، ذیل مصالحه: محمد پادشاه، فرهنگ آندراج، زیر نظر محمدرضا سیفی (تهران، کتابخانه خیام، ۱۳۳۵ خ) ج ۵، ذیل مصالحه.
۵. لغت نامه دهخدا، ذیل مال الصلح، مال الصالحه، جمعری ننگرودی، ترمینولوژی حقوق، ذیل مصالحه عنه: در کتاب ترمینولوژی حقوق. این تعریف برای مال الصلح آمده است. یادقت و بررسی که در تعداد زیادی مصالحه نامه صورت گرفت و با مشورت با حقوقدانان معلوم شد که این تعریف برای مال الصلح درست نیست و مال الصلح همان وجه الصالحه است که مصالح در عقد صلح به مصالح می دهد (در این باب از جناب آقای عفرانی معاون امور حقوقی آستان قدس رضوی بیاسگری می شود).
۶. جمعری ننگرودی، ترمینولوژی حقوق، ذیل مصالحه به.
۷. امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۷۱.



اندر کتب معتبره
مؤید ۲۰۰ هجری

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

و بعد از آنکه در کتب معتبره
مؤید ۲۰۰ هجری
مؤید ۲۰۰ هجری
مؤید ۲۰۰ هجری

و بعد از آنکه در کتب معتبره
مؤید ۲۰۰ هجری
مؤید ۲۰۰ هجری
مؤید ۲۰۰ هجری

و بعد از آنکه در کتب معتبره
مؤید ۲۰۰ هجری
مؤید ۲۰۰ هجری
مؤید ۲۰۰ هجری

و بعد از آنکه در کتب معتبره
مؤید ۲۰۰ هجری
مؤید ۲۰۰ هجری
مؤید ۲۰۰ هجری



